



عبدالاحمد فیض

مساعی بین المللی مبنی بر سرنگونی رژیم سوریه به گسترش افراطیت میانه‌جاده

جمهوری عربی سوریه دارای قدامت تاریخی پنجاه سال بوده و روزگاری در یک ساختار مشترک با لبنان، اردن و فلسطین بلاد شام را تشکیل میداد که در فرهنگ، تمدن، اقتصاد و تجارت بمتابه کریدور اتصال در میان ملل مختلف از شهرت تاریخی برخوردار است.

سوریه با کشورهای لبنان، قبرس، اردن، عراق، ترکیه، فلسطین اشغالی و اسرائیل دارای مرز مشترک بوده و همین وضعیت جغرافیایی اش به اهمیت ژئوپولیتیک این کشور در خاورمیانه می افزاید.

این کشور بدنبال اعتراضات و قیامهای گسترده مردمی که تحت نام بهار عربی بخش وسیع از کشورهای واقع در شمال افریقا و شرقمیانه چون مصر، تونس، لیبیا، یمن و بحرین را فراء گرفت بتاسی از عرضه ژئوپولیتیک و اهمیت فوق العاده مهم ژئواستراتیژک در شرقمیانه ((داشتن مرز مشترک با سرزمینهای اشغالی فلسطین و اسرائیل)) اماج قیامهای عظیم مردمی که بدون ابهامی، نقش با زیگران منطقوی و فرامنطقوی در آن متبارز است، قرار گرفت.

عده ای از آگاهان مسایل منطقه که انکشفات اوضاع سیاسی، اجتماعی و امنیتی سوریه را از نزدیک تحت نظر دارند، معتقد هستند که گسترش بحران و ابعاد فجایع جاری درین کشور مولود استبداد رژیم و طبقه حاکم ستمگر در سوریه است، که توده های وسیع مردم را از حقوق و ازادیهای فردی، سیاسی، مدنی و غیره محروم نموده و این محرومیت اقشار گوناگون منجر به عصیان توده های عظیم مردم گردیده است.

اما در تضاد با این تیوری، عده ای از صاحب نظران مسایل خاورمیانه به این باور هستند که این فقط طیف قدرتمند از فکتورهای خارجی بحران سوریه است که باعث گردید تا اوضاع سیاسی و امنیتی سوریه از کنترل خارج و تحولات ان کشور به صوب یک جنگ تمام عیار داخلی سوق گردد.

لذا بتاسی ازین دوتیوری متضاد بایست اذعان داشت که وقوع تحولات ، دگرگونیها و قیامهای ضد دولتی در هرکجای از جهان که حادث گردد بدون تردید تحت الشعاع عوامل عدیده ای داخلی و فکتورهای بیرونی شکل گرفته و از کشور تانکثوری با در نظر داشت ارایش نیروهای داخلی ، فکتورهای ژئوپولتیک و گذشته تاریخی مناسبات منطقوی و جهانی رژیم حاکم از هم متمایز میگردد، ازینرو میتوان به اطمینان خاطر نشان نمود که در تحولات و شکل گیری اوضاع وخیم و ویرانگر سوریه عنصر خارجی در مدیریت اوضاع جاری ان نقش بارزی را ایفاء مینماید که اینک بطور موجز به تحلیل و ارزیابی فکتورهای خارجی بحران سوریه و پیا مد های دردناک و نهایت وخیم ان که اینده امنیت خاورمیانه بدان گره خورده است می پردازیم :

ایلات متحده امریکا که یکی از بازیگران مهم در حوادث مرگبار سوریه محسوب میگردد، نقش این کشور با توجه به منافع فوق العاده با اهمیت راهبردی ان در خاورمیانه و با در نظر داشت سابقه تاریخی مناسبات غیردوستانه امریکا و دولت سوریه بدلائیل موقف خصمانه رژیم سوریه در برابر صیهونیزم ، حمایت دولت سوریه از سازمان حماس و داعیه خلق فلسطین ، تعارض و تقابل اهداف راهبردی این دو کشور در حوزه خاورمیانه همواره در جهت نفی رژیم سوریه معطوف بوده که این موضعگیری ضد دولت سوریه در سال (۲۰۰۳) میلادی بر بنیاد دکترین نیومحافظه کاران در کاخ سفید ، که سرکوب خشن و مرگبار رژیمهای به اصطلاح سرکش که نظریه پردازان نزدیک به قصر سفید انرا (محور شرارت) میخوانند ، درکنار کشورهای چون ایران ، عراق ، کره شمالی بلاروس طبعاء ، در فضای مناسب جهان یک قطبی ، در فهرست سیاه امریکا قرار گرفت. فلهداء وقوع اعتراضات ضد رژیم زمینه های مادی و عملی و یا میکانیزم های پراکما تیزم مداخلات سازمان یافته غرب را در قالب حمایت و پشتیبانی از یک چنین شورشهای هدفمند مردمی در جغرافیای سوریه فراهم نمود .

رژیم اسد که معترضان را مزدوران بیش نمیداند ، به اقدامات سرکوبگرانه با توسل بزور و نیروهای مسلح علیه معترضان وارد عمل گردیده و بدون تردید این شیوه برخورد دولت سوریه بمثابة ابزار تبلیغاتی موثری بمنظور گسترش ابعاد مداخلات ، تسلیح مخالفین و بخصوص ایجاد ارتش به اصطلاح ازاد مرکب از ناراضیان و مخالفان ضد رژیم ، در اختیار دشمنان منطقوی و فرامنطقوی سوریه و بویژه غرب قرار گرفته و تسلیح این ارتش به هدف براندازی دولت سوریه در محور سیاست خاورمیانه طاقتهای غربی بخصوص ایالات متحده قرار گرفت. ارتش ازاد سوریه که ترکیبی از گروه های مختلف سیاسی مخالف رژیم و نیز تعدادی از افسران مفروارتنش دولتی سوریه را بخود جاء داده است . در سال (۲۰۱۱م) تحت نظر مستقیم مشاوران از کشورهای غربی ، سعودی ، ترکیه و غیره تشکیل یافته و عملاء وارد معرکه قدرت بخاطر سرنگونی رژیم سوریه گردیده اند ، که این مساعدتهای سخاوتمندانه غرب ، سعودی و ترکیه که اسراییل در ان رول بارزی دارد باعث ان گردیده است تا بحران سوریه وارد فاز نوین شده و دامنه قساوتها و خشونت های مرگبار در سراسر کشور گسترش یابد.

عربستان که در محاصره موج گسترده تحولات ناشی از بهار عربی کشورهای پیرامون قرار داشت ، درصدد ان گردید تا نظم و گفتمان جدید را در تضاد با اهداف سنتی سیاست خارجی ان کشور که همواره از درگیری های پیرامونی دوری می جسته است ، مدیریت نماید . ازینرو تحولات سوریه فرصت مناسبی را در تغییر این مناسبات نوین در اختیار سعودی قرارداد و ان کشور عملاء در جبهه مخالفان رژیم سوریه قرار گرفت. همچنان حمایت تسلیحاتی و سیاسی همه جانبه ایران از دولت سوریه ، سهمگیری فعالانه حزب الله لبنان

در حمایت از رژیم اسد و نگرانیهای فزاینده از توسعه نفوذ تهران در کشورهای حاشیه خلیج فارس که بخش از حوزه نفوذ ریاض محسوب می‌گردد ، عزم کاخ نشینان و شهزادگان سعودی را در پیوستن به جبهه ضد سوریه و به هدف فروپاشی رژیم حاکم آن کشور قوام مزید بخشید.

جمهوری عربی سوریه که با موقعیت و محدوده ای جغرافیای کنونی اش بعد از رهای از سلطه استعمار فرانسه در سال (۱۹۴۴) میلادی ایجاد گردید ، روابط آن با کشور همسایه ترکیه که طی قرون متمادی الی فروپاشی امپراطوری عثمانی بمثابة سرزمین واحد بر بنیاد منافع مشترک و دوستی استوار بود، دستخوش تغییرات چشمگیری گردید و هر دو کشور بدو مسیر کاملاً متفاوت گام برداشت. بدینگونه که نخبگان سیاسی طراز اول سوریه درین فرصت تاریخی جدید تلاش ورزید تا در جهت برقراری روابط نزدیک با اتحاد شوروی گام برداشته و تحت تاثیر افکار ملی گرایانه عربی و کمونیزم روند انکشاف و تحول سیاسی رادریش گیرد ، در حالیکه ترکیه در قطب مخالف این روند انکشاف قرار گرفته و با پیروی از الگوی غرب در عمل ، به عضویت پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) برهبری ایالات متحده درآمد و بدینگونه اختلافات تاریخی میان دو کشور بر سر مساله حمایت دمشق از کردها ، تقسیم اب رودخانه دجله و فرات و منازعه ارضی بالای منطقه (هاتای) متبازر و مناسبات فی مابین این دو کشور همسایه بصوب تقابل و رویاروی های دایمی راه گشود.

فلهذا جایگاه کشور ترکیه بحیث کشور همسایه سوریه و یکی از بازیگران مهم در تحولات آن کشور از منظر تاریخی مراحل متفاوتی را پشت سر گذاشته است بدین معنی که ترکیه در آغاز تراژیدی سوریه در وهله نخست نقش نمادین میانجگری میان طرفین منازعه را به نمایش گذاشت ، اما دیری نگذشت که موضعگیری ظاهراً مثبت ترکیه در قبال انکشافات اوضاع سوریه توأم با اوجگیری خشونت‌های داخلی ، توسعه دامنه نبردهای مسلحانه و تقویت پوتنسیل رزمی مبارزان مسلح ضد سوریه ، در مسیر معکوس یعنی پشتیبانی از مخالفین مسلح رژیم اسد و طرح برچیدن دولت سوریه سوق گردید.

بر بنیاد گزارشهای رسانه ای ، همین اکنون ترکیه میزبان بیش از (۴۵) هزاران نیروهای مخالف دمشق میباشد که در قلمرو ترکیه و با همکاری تنگاتنگ راهبردی با واشنگتن ، سعودی و کشورهای دیگر در مراکز تربیت نظامی ان کشور مصروف فراگیری روشهای متعارف جنگی در مقابله با رژیم دمشق میباشد ، چنانچه دولت ترکیه درین اواخر از تسلیح و آموزش نظامی مخالفان رژیم اسد در خاک ترکیه در تشریک مساعی با ایالات متحده بوضوح اذعان داشته که بدون ابهام دورنمای اهداف آن کشور را در قبال آینده سوریه و مساعی سیاست منطقی ترکیه را در راستای کسب نفوذ بیشتر و موثر در مدیریت خاورمیانه بازتاب میدهد.

حامیان بین المللی سوریه ، فدراسیون روسیه ، چین و ایران در قطب مخالف سیاستگذاری غرب قرار گرفت ، این کشورها ضمن اعلام حمایت بیدریغ شان از دولت بر سر اقتدار سوریه در تقابل با نقشه غرب بمنظور جلوگیری از تکرار سناریوی لیبی در مورد دمشق ، قطعنامه پیشنهادی غرب را در شورای امنیت سازمان ملل متحد که تجویز حق تسلیح نیروهای مخالف رژیم اسد ، ایجاد فضای ممنوعه پرواز بر فراز خاک سوریه و حتی حق توسل بزور را حاوی بود، ویتونمود.

فدراسیون روسیه تحرکات غرب را در قبال سوریه شبیه تجاوز مسلحانه آلمان نازی در سال (۱۹۳۹) میلادی علیه پولند خوانده و اعلام داشت که سوریه عراق و یا لیبی نبوده ، بنابراین هرگونه دخالت قدرتهای خارجی را در امور سوریه تحمل ننموده و مانع دخالت ملل متحد و یا سازمانهای دیگر در سوریه به شیوه سناریوی لیبی خواهد شد . چنانچه افگنی پریماکوف دیپلومات و سیاستمدار برجسته روسیه هرگونه اقدامات نظامی غرب در سوریه را انگیزه برای وقوع جنگ دانست و اذعان داشت که روسیه دخالت قدرتهای خارجی در سوریه را هرگز تحمل نخواهد کرد.

لازم به یاددهانی است که قطع نظر از منافع استراتژیک روسیه در حوزه شرق میانه و تلاش مسکوبه هدف داشتن یک نقش فعال و موثر در تحولات شرق میانه ، آن کشور دارای روابط دوستانه و عنعنوی دیرینه با دمشق بوده و هکذا سوریه تحت رهبری اسد کشوری بود که اقدامات مسلحانه روسیه را در سال (۲۰۰۸) علیه گرجستان بر سر موضوع دوجمهوریت خودمختار افاقازیا و اوستیای جنوبی مورد پشتیبانی قرارداد که بدون شک در تحکیم دوستی و مواضع دوطرف در قضایای بین المللی اثرات مثبت از خود بجا گذاشت .

ایالات متحده امریکا که به استناد تیوری تهدید بلند مدت چین بطور مستمر سعی دارد تا با استقرار نیروهای نظامی در استرالیا ، مداخله امریکا در روند دموکراسی سازی در میانمار ، موضع غرب در حمایت از تایوان که چین انرا مداخله اشکار غرب تعریف مینماید ، استقرار ناوگان جنگی در ابحار ازاد اما در مجارت مرزهای ابی چین و مانورهای نظامی مشترک با جاپان و کره جنوبی ، حلقه محاصره چین را تنگتر سازد از یکسو و روابط نزدیک دیپلماتیک ، تجاری و اقتصادی چین با جمهوری اسلامی ایران و وابستگی آن کشور به انرژی از جانب دیگر ، از فکتورهای است که آن کشور سیاست همسوی با روسیه را در قبال بحران سوریه اتخاذ نماید .

در رابطه با سیاستگذاریهای حمایتی گسترده ایران از سوریه بایست خاطر نشان ساخت که مناسبات دوستانه میان دو کشور سابقه بیش از چندین دهه را داراست . سوریه در جنگ دهه هشتاد عراق و ایران از موضع تهران با قاطعیت تمام دفاع کرد ، معذالک مواضع نزدیک دو کشور در پیوند با منازعه تاریخی اعراب و اسرا بیل بالای سرزمینهای اشغالی فلسطینی ، تقابل منافع ایران در برابر نفوذ سعودی و سیاستهای شیعه زدایی ریاض در مجادله با گسترش نفوذ ایران ، موارد اشکاریست که ایران را بیکی از حامیان و دوستان مطمئن ، مورد اعتماد و هدفمند دمشق در مقابله بانفوذ غرب و سعودی مبدل نموده است .

فلهذا بادر نظر داشت رقابتهای جهانی موجود در بحران جاری سوریه ، فقط این کشور است که مصایب غم انگیز ناشی از تعارض و تقابل قدرتهای خارجی را با پرداخت بهای نهایت گزاف یعنی ویرانیهای نامحدود و تلفات عظیم انسانی متحمل گردیده و این تضاد منافع بازیگران خارجی بحران این کشور ، پدید آورنده ای چنان وضعیتی در سوریه گردیده است که همین اکنون نه تنها گروه تحت حمایت غرب یعنی ارتش ازاد و شورای ملی سوریه علیه رژیم دمشق می جنگند بلکه قلمرو سوریه به مکان مناسبی از فعالیتهای خطرناکترین گروههای تروریستی منجمله جبهه نصرت شاخه القاعده ، داعش ، اخوان المسلمین با گرایشات تندروانه و سلفی مبدل گردیده است . طبق آخرین گزارش سازمان ملل متحد منتشره (۲۰۱۵) میلادی تاکنون (۷۶۰۰۰۰۰) اتباع سوریه خانه های شانرا تحت فشار جنگ ترک و در خارج پناه برده اند که از انجمله (۱،۷) میلیون به ترکیه ، (۱،۲) میلیون به لبنان ، (۶۲۵) هزار به اردن و (۲۴۵) هزار نفر به عراق

پناهمبرده اند و نیز بر وفق این گزارش صدها هزار مردمان غیر نظامی اعم از مردان، زنان، کهن سالان و اطفال قربانیان این نبرد خونین قدرت را تشکیل میدهد.

بنابراین بر مبنای تنوع اهداف و تقابل منافع عناصر خارجی درگیریهای سوریه و نقش قدرتهای عقب جبهه جنگ که تجهیز و تسلیح نیروهای مسلح ضد دولت سوریه را بعهدده داشته و این نوع موضعگیریهای غیر سازنده قدرتهای دخیل در جنگ سوریه باعث شده است تا گروه های افراطی چون القاعده و داعش تناسب ارایش و توازن قدرت را برهم زند و کنترل اوضاع با گذشت هر روز از حیطه ای قدرتهای دخیل و تمویل کنندگان اصلی نبرد سوریه که حذف بدون قید و شرط رژیم حاکم دمشق را در صدر اهداف خویش دارند، خارج و سوریه به میدان نمایش قدرت گروه های افراطی از جمله گروه تکفیری داعش مبدل گردد.

لذا بوضوح میتوان چنین استنتاج نمود که سیاستگذاری های غرب، ترکیه و سعودی مبنی بر تمویل جنگ، استمرار بحران موجود، نادیده گرفتن رژیم حاکم و ارتش سوریه بعنوان بخش اساسی بحران ان کشور در هرگونه تصمیم گیری های مهم مربوط به آینده سوریه، با واقعیتهای موجود در ان کشور در تناقض قرار داشته و تاکید این کشورها در بقدرت رسانیدن نیروهای به اصطلاح میانه رو در سوریه اشتباه راهبردی خواهد بود، که به پیروزی نیروهای تندرو و تروریستی منتهی شده و به بی ثباتی کامل در خاورمیانه خواهند انجامید.

<http://hoqooq.eu/>